

## شرکت در انتخابات: انتخاب فقر، بیکاری، استبداد!

روی سخن با شماست! همه شما. نه فقط زنان و مردان کارگر، که همه زحمتکشان. روی سخن با زنان ستمدیده و حق طلب، دانشجویان آزادیخواه، معلمان مبارز، دانش آموزان و جوانان عصیانگر، روشنفکران ترقیخواه و هنرمندان مردمی هم هست. همه ما بار دیگر در برابر این پرسش قرار گرفته ایم که در مورد نمایش فریبکارانه انتخابات ریاست جمهوری چه خواهیم کرد؟ بار دیگر حاکمان، «کارزار انتخاب» همیشگی شان را به راه انداخته اند تا مردم را به «انتخاب» از میان ستمگران و ادار کنند. بار دیگر جدال های لفظی، افشاگری های جناحی و شخصی، وعده و وعیدها و تهدیدها در فضای پر تنش جامعه پراکنده می شود. بار دیگر لحن سرکوبگران نرم می شود؛ دست های خون آلود با دستکش سفید پوشانده می شود؛ و نامزدهای رقیب که سر تا پایشان به ستم و جنایت سی ساله آغشته است، خود را به ما تحمیل می کنند و نامش را «انتخابات» می گذارند.

روز ۲۲ خرداد، روز انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری حکومتی است که بیش از سی سال جامعه ی بحران زده ی قبل از انقلاب ۵۷ را همچنان در شرایط بحرانی نگاه داشت و نه تنها قدمی در برآورده کردن خواسته های انقلابی توده ها برای آزادی و زندگی بهتر برداشت، که از همان آغاز، با اعمال دیکتاتوری سرمایه داری و استبداد مذهبی، سیاست های سرمایه جهانی را در سرکوب و به شکست کشاندن انقلاب دنبال کرد. هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، نماینده نظام سرمایه داری ای تمرکز یافته و انحصارهای خصوصی و دولتی ای است که تشنگی شان برای قدرت و ثروت بیشتر، حتی توان مسالمت با جناح های دیگر سرمایه داری را از ایشان سلب کرده است. دیدیم که چگونه پس از سرکوب همه جانبه مقاومت های انقلابی، چون گرگی گرسنه به رمه زدند و تا به امروز تمامی منابع طبیعی و انسانی ایران را در تمرکز گروه های اقتصادی وابسته به خود در آورده اند.

گو اینکه مهمترین عامل بقاء و استمرار این حکومت، سرکوب قهرآمیز مبارزات مردمی و بخصوص طبقه کارگر بوده است، اما، متأسفانه، بقایای توهمات مذهبی و ناسیونالیستی و خوف پدرسالارانه ی رایج در فرهنگ مردم نیز به تداوم وضع غیر قابل تحمل امروز کمک کرده است. ما باید از خود سوال کنیم که چنین حکومتی که بیش از سه دهه جولانگاه گروه های زالو صفت سرمایه داری بوده و همواره حافظ منافع این چند هزار نفر در برابر مقاومت اکثریت ۷۰ میلیونی کارگران و زحمتکشان بوده است! و عناصر حکومتی ای که با زور اسلحه، بند و زندان و اعدام شرایط پر شدن میلیاردی حساب های بانکی خود و عواملشان را مهیا ساخته و مردم را در بیکاری و فقر و اسارت فرو برده اند، چه حق انتخابی برای ما گذاشته اند؟ آیا اگر به زندگینامه ی این چهار چهره، احمدی نژاد، کروبی، موسوی و رضایی رجوع کنیم، کارنامه ای جز اعمال خشونت و سرکوب و خونریزی علیه مردم و کارگران می یابیم؟ فکر می کنید اگر در پرونده ی ایشان ذره ای از روحیه ی انسان دوستی و مروت به نوع بشر و همدردی با طبقه کارگر وجود داشت، از هفت خوان نظارت استصوابی شورای مخوف نگهبان و تأیید ولی فقیه می گذشتند تا به عنوان نامزد انتخابات معرفی گردند؟ مطمئن باشید که اگر ذره ای استقلال فکری و عمل در ایشان

مشهود بود و امکان آن می رفت که بخواهند و یا بتوانند قدمی در جهت منافع مردم و مخالفت با ساختار استبدادی قدرت بردارند، نامی از ایشان نمی شنیدیم.

تجربه انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۷۶ را دست کم نگیریم. بسیاری از توده های مردم در آن روزها فریب وعده های جناح «اصلاح طلب» حکومت و شعار «آزادی و نشاط» را خوردند و گروهی از روشنفکران نوپدید و مسالمت جو نیز با توجیهات «تاکتیکی» بر بوق دوم خرداد دمیدند. نتیجه کار را همه می دانیم: وضعیت فرق نکرد که هیچ، بدتر از بد شد. در این میان فقط شور و شوق و انرژی و امید شمار زیادی از مردم و مشخصا جوانان تلف شد.

شکست دوم خرداد، این نتیجه را داشت که به توهّم «تغییر رژیم از درون» ضربه زد؛ ولی آن را ریشه کن نکرد. نارضایتی اجتماعی و خشم سیاسی مردم رو به گسترش گذاشت؛ پایه پای آن بحران اقتصادی نیز در حال ریشه دواندن بود؛ و بالاخره فشارها و کشمکش های بین المللی رژیم اسلامی با قدرت های غربی نیز داشت بالا می گرفت. به قدرت رساندن احمدی نژاد، پاسخ جناح قدرتمندی از هیئت حاکمه به زور قدرت نظامی و امنیتی و مالی و شعارهای عوامفربانه به این اوضاع بود. در این بازی الاکلنگی حاکمان، اصلاح طلبان به ناگزیر پایین رفتند و اصولگرایان بالا آمدند. طعم محصولات احمدی نژاد را حالا دیگر اکثریت مردم (حتی آن کسانی که فریبش را خوردند و به او رای دادند) چشیده اند: تورم و بیکاری و فقر و دروغ و سرکوب بیشتر! و وقاحت بیشتر! حالا باز هم عده ای پیدا شده اند که می خواهند تجربه خودفریبی بزرگ در دوم خرداد را به عنوان «تنها راه ممکن» به ما قالب کنند. می گویند اشکال بار قبل این بود که به اندازه کافی واقع بین نبودیم و از شعارهای عام و بی در و پیکری مثل «آزادی» پیروی کردیم. می گویند که مردم باید توقعاتشان را تا حد مطالباتی که بتوان آنها را عملی کرد پایین بیاورند. درست در اوضاعی که دنیای سرمایه داری امپریالیستی، نظام طبقاتی و دولت ستمگرش، وحشیانه ترین تهاجم اقتصادی را علیه کارگران و زحمتکشان تدارک می بینند و هرابزار سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی را برای حفظ پایه های قدرت خود بر دوش مردم جان به لب رسیده به کار می گیرند، اینان مردم را به امید بستن «واقع بینانه» (یعنی تسلیم) به جناحی از همین نظام دعوت می کنند.

مهمترین و کلیدی ترین هدفی که همه ما باید در این مقطع دنبال کنیم اینست که هدف اصلی حاکمان از برگزاری کارزار انتخاباتی، یعنی دامن زدن به روحیه تسلیم و بردگی در میان مردم، و نمایش قدرت آنها را خنثی کنیم. این یعنی تلاش برای سازماندهی نمایش قدرت و همبستگی مردم در مخالفت با فریب انتخاباتی. یعنی نشان دادن اینکه بخش بزرگی از جامعه به واقع با این فریبکاری مخالف است، در آن شرکت نمی کند و اهداف پشت آن را می شناسد. بنابراین اعلام مخالفت با انتخابات ریاست جمهوری اسلامی، به شکل شعارنویسی گسترده بر در و دیوار شهر، پخش تراکت های تحریم انتخابات با استفاده از روش های مناسب و وسیع در محیط های کار و آموزش و محلات مسکونی، دامن زدن به بحث و اعلام مخالفت علنی در تجمع های کوچک و بزرگ، فعالیتی است که از همین حالا تا زمان برگزاری انتخابات باید انجام شود. باید مردم ناراضی و مخالف، دلگرم شوند و نیروی بزرگی را همفکر و همسو و همسرنوشت با خودشان ببینند. باید بتوانند در لحظات آخر، تردید را کنار بگذارند و فکر هزینه هایی که رای ندادن می تواند برایشان به دنبال داشته باشد را از خود دور کنند. باید بتوانند به کسانی که از روی ناآگاهی یا فرصت طلبی و منفعت جویی، در آن لحظات همگان را دعوت به شرکت در انتخابات می کنند، نه بگویند

و اطرافیان و آشنایان خود را نیز به نه گفتن تشویق کنند. تنها اگر با تمام قوا در این جهت تلاش کنیم است که می توان انتظار داشت، رژیم در اجرای سیاست های خائمان براندازش، با ترس و احتیاط بیشتری حرکت کند و این ابراز نارضایتی آشکار توده ها را در محاسبات خود واقعا دخالت دهد. پس تردیدها را کنار بگذاریم و آستین ها را بالا بزنیم.

نظام سرمایه دار نمی خواهیم، نمی خواهیم!  
دولت سرمایه دار نمی خواهیم، نمی خواهیم!  
رهایی نوع بشر با انقلاب کارگر!  
کارگران، زنان، جوانان، متحد و همسنگر!  
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

بیانیه مشترک

امضاء ها:

«جمعی از فعالین کارگری» (JAFK)

<http://Jafk.bloghfa.com>

«تلاش برای ایجاد حزب طبقه کارگر» -

هیئت تحریریه «بسوی انقلاب»

<http://maktabema.net/>

کمونیستهای انقلابی

<http://www.k-en.com>